

# تحلیل فقهی - اقتصادی بیمه‌های تأمینی

## بیژن بیدآباد<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف این مقاله تحلیل فقهی و اقتصادی بیمه‌های تأمینی و انواع آن می‌باشد. با طبقه‌بندی وظایف حکومت اسلامی به شرح وظایف تأمینی و حمایتی آن می‌پردازیم. با تصریح این وظایف بیمه‌های زیادی به عنوان وظیفه حکومتی مشخص و مؤیدات فقهی آنان ذکر می‌گردد. در این راستا بیمه‌های مالی، مسکن، ازدواج، شغل، آموزش، درمان، پرستاری، سوانح، خوراک، دفاع، وکالت، ایتم، بازنشستگی و از کارافتادگی، سرپرستی، کارگشائی، فرهنگی و پوشاک به عنوان وظایف حکومت اسلامی مشخصاً ذکر می‌شوند.

کلیدواژه: بیمه، تأمین اجتماعی، تکافل، حمایت

### مقدمه

یکی از وظایفی که براساس مفهوم ولایت بر عهده ولی قرار می‌گیرد، تأمین و حمایت از کسانی است که تحت پوشش ولایی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر تأمین مجموعه‌ای از حداقل‌های مکفی برای آحاد افراد جامعه و حمایت آنان در جامعه همانند وظایف ولی خانواده نسبت به فرزندان به عهده حکومت اسلامی است.

یک مجموعه مهم از حمایت‌هایی که حکومت اسلامی موظف به انجام آن است در محل‌های مصارف صدقات در آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهِ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»<sup>۲</sup> ذکر شده است. در این آیه تخصیص صدقات به فقرا، مساکین، عاملین بر آن و تألیف قلوب، بردگان، ورشکستگان و در راه خدا و واماندگان در راه از طرف خداوند واجب شده است. در پرداخت وجوه زکات حتی فقها به استناد به روایات بر این نظر هستند که پرداخت‌های زکات باید به حدی باشد که برای یکسال کفاف مخارج زندگی نماید آن هم به طوری که موجبات تنگدستی و قناعت و تقید را در مایحتاج زندگی فراهم نسازد.<sup>۳</sup> در آیه «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ»<sup>۴</sup> موارد پرداخت درآمدهای ناشی از خمس به رسول و ذی‌القربی و ایتم و مساکین و واماندگان راه تخصیص داده شده است. پس در اصل بر گیرنده این اموال یعنی کسی که خطاب خُذ در آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا»<sup>۵</sup> متوجه

<sup>۱</sup> [bidabad@yahoo.com](mailto:bidabad@yahoo.com)

[bijan@bidabad.com](mailto:bijan@bidabad.com)

<http://www.bidabad.com>

<sup>۲</sup> - سوره توبه، آیه ۶۰.

<sup>۳</sup> - صدر، محمد باقر ( ) اقتصاد برتر، ترجمه علی اکبر سیبویه، گروه بخش کتاب‌های مذهبی، نشر میثم، تهران، صفحه ۱۳۰.

<sup>۴</sup> - سوره انفال، آیه ۴۱.

<sup>۵</sup> - سوره توبه، آیه ۱۰۳. از اموال آنها زکات بگیر تا با آن آنها را پاک و منزه نمایی.

وی است فرض است که نسبت به گروه افراد یاد شده در دو آیه فوق اقدام به تخصیص مالی و کمک‌های تأمینی نماید. چه که گروه‌های مذکور در فوق به نحوی نیازمند کمک‌های مختلف حمایتی هستند. بر این مبنا است که می‌توان به سرفصل عمده تأمین اجتماعی در حکومت اسلامی رسید. این حمایت و تأمین تا طعام مساکین نیز تسری دارد یعنی در حکومت اسلامی نباید کسی به دلیل عدم توان در تهیه طعام سر بی‌شام بر بالین بگذارد. آیاتی که به طعام مسکین اشاره می‌فرمایند، بی تفاوتی در مورد عدم اطعام مساکین<sup>۶</sup> و حتی عدم ترغیب دیگران به اطعام مساکین را در زمره مواردی دسته‌بندی می‌نماید که مستحق عقوبت شدید هستند.<sup>۷</sup> یا در مورد راندن یتیم نیز همین توجه بذل شده که فرمود: «أرأيت الذي يكذب بالدين فذلك يدعو اليتيم و لا يخض علي طعام المسكين»<sup>۸</sup> و همچنین خطاب به رسول اکرم ص است که: «فأما اليتيم فلا تقهر و أما السائل فلا تنهر»<sup>۹</sup>. تدقیق در این آیات و وظایف حکومت اسلامی را در حمایت تا آنجا پیش می‌برد که درخواست کننده را نمی‌توان بدون پاسخ راند. البته سؤال در اینجا قاعدتاً باید پاسخ به نیاز تفسیر شود و نیاز اگر مشروع و مبرم بود حکومت اسلامی موظف به پاسخ دادن به آن است. به عبارت دیگر وجوب کفایی در مورد تمام مصادیق نیازهای مشروع قابل تعمیم می‌گردد.

خود این مبحث دامنه زیادی از نیازها را تعریف می‌کند که مبرم هستند و حکومت اسلامی بایست نسبت به آنها پاسخگو باشد. موارد زیر از جمله این سؤالات یا درخواست‌ها است:

- ۱- نیاز مالی (بیمه مالی).
- ۲- نیاز به سرپناه و مسکن (بیمه مسکن).
- ۳- نیاز به ازدواج و جفت و معاشر (بیمه ازدواج).
- ۴- نیاز به کار و شغل (بیمه شغل).
- ۵- نیاز به تعلیم و تربیت، آموزش، مشاوره، راهنمایی (بیمه آموزش).
- ۶- نیاز به بهداشت و درمان (بیمه درمان).
- ۷- نیاز به پرستاری و مراقبت (بیمه پرستاری).
- ۸- نیاز به امداد در زمان اضطرار و مواجهه با خطر (بیمه سوانح).
- ۹- نیاز به طعام و خوراک (بیمه خوراک).
- ۱۰- نیاز به اعتراض و فریاد (هرگاه مظلوم واقع شود) و دفاع در مقابل متجاوز (بیمه دفاع).
- ۱۱- نیاز به استعانت در احقاق حق (بیمه وکالت).
- ۱۲- نیاز صغیر به ولی (بیمه ایتام).

<sup>۶</sup> - سوره حاقه، آیات ۳۰-۳۴ «خُدُوهُ فَعَلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا يَخْضُ عَلَي طَعَامِ الْمَسْكِينِ». بگیری‌دش، زنجیرش کنی و به جهنمش بکشید و او را با زنجیری درازی هفتاد ذراع بکشید، زیرا به خدای بزرگ ایمان نداشت و به طعام دادن به مسکینان ترغیب نمی‌کرد (یا رغبت نداشت).

<sup>۷</sup> - سوره مدثر، آیات ۴۴-۴۱ «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ». شما به چه دلیل در جهنمید؟ گفتند ما از نماز گزاران نبودیم و به مسکین طعام نمی‌دادیم.

<sup>۸</sup> - سوره ماعون آیات ۳-۱، آیا آن را که دین را دروغ می‌شمرد دیدی؟ او همان کسی است که یتیم را از خود به تندی می‌راند و بر اطعام مسکین ترغیب نمی‌کند (یا رغبت ندارد).

<sup>۹</sup> - سوره الضحی آیات ۱۰-۹، پس از یتیم قهر مکن و درخواست کننده را مران.

۱۳- نیاز به مستمری بازنشستگی و از کارافتادگی (بیمه بازنشستگی و بیمه از کارافتادگی).

۱۴- نیاز به سرپرستی افراد لازم‌الحمایه (بیمه سرپرستی).

۱۵- نیاز به کارگشایی و گره‌گشایی (بیمه کارگشایی).

۱۶- نیاز به ادای رسوم و سنن پسندیده (بیمه فرهنگی).

۱۷- نیاز به پوشاک و البسه (بیمه پوشاک).

تأمین هر کدام از موارد نیازهای مزبور سرفصل‌های فعالیت‌های حمایتی را در اجراء و اداره امور کشور ایجاد می‌کند و غالب آنها را می‌توان در بحث تأمین اجتماعی به معنای اعم کلمه گنجانند.

## بیمه

در فرهنگ معین آمده است که برخی گویند واژه بیمه از «بیما» گرفته شده و ریشه سانسکریت دارد و با واژه «بیم» در پارسی هم ریشه است. برخی دیگر از لحاظ فیلولوژی ریشه بیمه را ترجمه واژه روسی «استراخوانی» به معنای ضد بیم و ترس می‌دانند، زیرا که نخستین بار روس‌ها در ایران به فعالیت بیمه‌ای پرداختند و برخی بیمه را اسم شهری در طبرستان و دیلم می‌دانند.<sup>۱۰</sup> مفهوم کاربردی روزمره بیمه عبارت از ضمانت یا تضمین یا پوشش گروهی سازمان یافته‌ای است که برای رویارویی با پیامد خطرات و ضررها و یا شرایط ناصواب آتی در زندگی اجتماعی - اقتصادی به کار گرفته می‌شود. کلمه بیمه همراه با عبارت تأمین اجتماعی ناشی از مفهوم تعریفی بیمه است. بیمه را عقدی تعریف می‌کنند که به موجب آن یک طرف (بیمه‌گر) تعهد می‌کند در ازاء دریافت وجه یا وجوهی (حق بیمه) از طرف دیگر (بیمه‌گذار) در صورت وقوع یا بروز حادثه (موضوع بیمه) خسارت وارده بر او را جبران کند. به عبارت دیگر بیمه‌گر و بیمه‌گذار اقدام به خرید و فروش و تسهیم هزینه‌های ناشی از ریسک می‌نمایند. از لحاظ فقهی برخی از فقها نظیر آیت الله خمینی بیمه را از مسائل مستحده تلقی می‌نمایند و نتیجتاً اقامه فتوا در این باب را محتاج سازگاری با ادله عمومی فقه می‌دانند. برخی از محققین اهل تسنن بیمه را باطل می‌دانند و بر این باور هستند که با وجود زکات در اسلام و سایر تبرعات، نیازی به بیمه نیست.<sup>۱۱</sup>

بسیاری از نظراتی که جهت اثبات عدم پویایی فقه اسلامی و رکود و جمود قواعد حقوق اسلام از سمت و سوی مدافعان حقوق غرب مطرح می‌شود بیمه را وجه المنازعه قرار می‌دهد. نظر این گروه بر این است که حقوق و فقه اسلام به دلیل جمودی که آن را طی قرون در بر گرفته توانایی پاسخ به مسائل روز را ندارد و در این باب بیمه را به عنوان بارزترین مثال مطرح می‌نمایند.<sup>۱۲</sup> در پاسخ کلی به این بحث حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده ابراز می‌دارند:

«حقوق اسلامی بالذات پویا و در تحرك است و همه مسائل را در چهارچوب اصول کلی می‌تواند حل کند. در این امور نیز اگر حقوقدانان اسلامی بیکار و ساکن نمی‌مانند و در مواجهه با هر پدیده‌ای نوین و نیازی جدید مقررات لازم را اعلام می‌کردند چنین توهمی به وجود نمی‌آمد. روزهای اولیه که نیاز به بیمه احساس می‌شد می‌بایستی آن نیاز را طبق مقررات اسلامی حل نمایند. بیمه به اعلاترین حد ممکن در حقوق اسلام وجود دارد و فقط نام آن فرق می‌کند. ملت

<sup>۱۰</sup> - نگاه کنید به صالحی، جان علی محمود (۱۳۸۱)، حقوق بیمه، بیمه مرکزی ایران. مدیریت آموزشی و انتشارات.

<sup>۱۱</sup> - نگاه کنید به بیمه و تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام، محمدحسین ابراهیمی، صص ۲۳-۲۲، ۱۳۷۵، سازمان تأمین اجتماعی، انتشارات کویر.

<sup>۱۲</sup> - شرح این بحث را می‌توان در جزوه درسی حقوق تطبیقی (۲) جناب آقای دکتر حاج نورعلی تابنده، مدرسه عالی قضائی و اداری قم، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶، صفحات ۹۷-۱۱۷ ملاحظه نمود.

تابع حقوق اسلام با مالیات‌هایی که به خزانه (بیت‌المال) می‌دهند حق دارند خدماتی را از خزانه بخواهند و بیت‌المال ضامن جان و مال و ناموس آنها است. تمام مردم در قبال همه خطرات: بیماری، فقر، بیکاری و غیره بیمه هستند و حتی بیمه ازدواج نیز می‌باشند. داستان‌های زمان خلافت خلفای راشدین و بعدها همه نشان دهنده این تضمین است، با توجه به روش معمول که به عنوان رویه قضائی اسلامی تلقی می‌گردد و می‌بینیم اولاً همه مردم در مقابل ضروریات زندگی بیمه هستند و ثانیاً بیمه‌گر بیت‌المال است و این نشان دهنده اعتقاد به ملی بودن بیمه است... اسلام معتقد به ملی شدن بیمه حداقل ضروریات زندگی است و همه مردم بدون قرارداد اختصاصی نزد «بیمه ملی» بیمه هستند... مصلحت نیست نسبت به ضروریات حیات فردی و اجتماعی هر شرکت خصوصی بیمه‌گر باشد، پول‌ها را جمع کند و احیاناً حق بیمه شده را نیز نپردازد و یا نتواند بپردازد... گرچه اهم بیمه‌ها که احیاناً ضروری می‌باشند به عهده خزانه ملی (بیت‌المال) است ولی با توجه به آزادی اراده فردی در انعقاد هر عقد و نیز توسل به قلمرو عقد صلح و شرکت و غیر آن انعقاد بیمه بین افراد و در قلمرو حقوق خصوصی نیز بلامانع است و بیمه‌هایی در ضرورت درجه دوم یا ضرورت برای طبقه خاصی (مثلاً بیمه حریق کالا یا غرق کشتی مورد ضرورت تجار است نه همگان) با رعایت شرایط عقد به صورت خصوصی نیز قابل اجرا است... خزانه با تعهدات بیمه‌ای که دارد ناچار است وام‌های مصرفی را بدون بهره بپردازد، در مورد وام به منظور کار تولیدی نیز توجه می‌کند تا در هر رشته از تولید که مصلحت جامعه بود وام بپردازد و می‌تواند سهم خود را از سود مضاربه یا مزارعه و مساقات به مبلغ معینی صلح کند، اگر وام گیرنده سود برد اشکالی پیش نمی‌آید و اگر زیان برد، زیان او از محل بیمه اجباری پرداخت می‌گردد... بنابراین اینگونه سروصداها در مورد بیمه و ربا غالباً از حلقوم‌های عوام فریبانه‌ای است که به بهانه آزادی خواهی می‌خواهند سرمایه‌داران عظیم آزاد باشند تا بتوانند کمپانی‌های عظیم بانک و بیمه تشکیل دهند و در بهره‌برداری و انتفاع از ضعف مالی مردم مقید نباشند»<sup>۱۳</sup>.

در باب ماهیت و مختصات حقوقی بیمه مباحث زیاد و متنوعی مطرح است. قرارداد یا معامله یا عقد بودن بیمه و همچنین لازم، جایز، غیرمعین (بی‌نام)، اضطراری، تحمیلی، تصویبی، الحاقی، اذعانی، احتمالی، اتفاقی، غرری، رضایی، مستمر، معلق، مستقل و معاوضی بودن عقد بیمه از سرفصل‌های حقوقی در این باب است. مباحث اصول: حسن نیت، جبران خسارت، جانشینی، احتمال، خطر، تعاون، نفع بیمه‌ای، نگهداری ذخائر برای مقابله با خطرات، تقسیم همه‌جانبه خسارت که بعضاً شامل غالب معاملات می‌شود در مورد بیمه بالاخص مصادیق بارز دارد. ارکان و شرایط عقد بیمه همانند قصد و رضای طرفین، اهلیت طرفین، موضوع معین و مشروعیت جهت معامله نیز همان ارکان و شرایط عمومی سایر عقود است و شرایط صحت معامله نیز در باب بیمه به تصریح بحث می‌شود.<sup>۱۴</sup> حقوقدانان اسلامی با استناد به خصوصیات بیمه منجمله نیاز جامعه و استصلاح و اصول صحت و اباحه عقد بیمه را صحیح و معتبر و مشروع می‌دانند و در این باب با ذکر ادله مکفی از قبیل عدم نهی شارع و عمومیت ادله بر اطلاقات آیات در باب وفای به عقد و عهد و شروط آن و حصری نبودن عقود و عقلائی بودن بیمه و آزادی اراده از این نظریه دفاع می‌نمایند.<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۳</sup> - جزوه درسی حقوق تطبیقی (۲) جناب آقای دکتر حاج نورعلی تابنده، مدرسه عالی قضائی و اداری قم، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶، صفحات ۹۷-۱۱۷.

<sup>۱۴</sup> - برای شرح مفصل در مورد این ویژگی‌ها رجوع کنید به: عرفانی، توفیق (۱۳۷۱)، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، سازمان انتشارات کیهان، صفحات ۶۳-۳۹.

<sup>۱۵</sup> - آیه شریفه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عقدهایتان وفا کنید، سوره مائده، آیه ۱) و آیه شریفه و أَوْفُوا بِالْعُهُودِ (به پیمان وفا کنید، سوره اسراء، آیه ۳۴) مستند اصلی در باب عمومات اطلاقات ادله این گروه است و بر این نظر هستند که الف و لام

در میان فقها اختلاف از حرمت کامل بیمه تا حلیت کامل آن طیف وسیعی از نظرات فقهی را ایجاد کرده که باعث تعلیق مبحث شده است. فقهای مخالف صحت قرارداد بیمه به دلالتی استناد می‌کنند منجمله از ابتدا بیمه را در بین عقود معین بلامشابه می‌دانند و هیچکدام از عقود معین را قابل انطباق با بیمه نمی‌بینند. برخی دیگر فرض می‌کنند که حتی اگر بیمه عقد باشد، به دلایل زیر شبهه و اشکال دارد: التزام ما لایلزم<sup>۱۶</sup> یا ضمان ما لم یجب (تعهد به انجام چیزی که هنوز تحقق نیافته)، جهل به عوضین (تا وقوع حادثه و ورود خسارت عوض یا مبلغ قرارداد مجهول است)، تعلیق در عقد (عقد بیمه منجز نیست و موکول به حدوث خطر و ایجاد خسارت است که ممکن است اتفاق بیافتد و یا نیفتد لذا معلق است)، معامله غرری (معاملاتی که به نحوی مشمول غرر به معنی خطر، فریب، غفلت یا بی‌خبری باشد)، قمار (عملی که صرفاً به اتکاء بخت و شانس و تصادف مالی بلاعوضی را از دست داده یا بدست آورد)، عقد سفهی (که احیاناً مبلغ زیادی پردازد ولی چیزی به دست نیآورد)، ربا (دریافت مازاد از پرداخت اولیه پس از وقوع حادثه)، اکل مال به باطل (ممنوعیت خوردن مال دیگران به غیر حق) مبارزه با قضا و قدر و مشیت الهی (به مبارزه طلبیدن مقدرات و دخالت در مشیت الهی)، بیع معدوم (بیعی که مبیع در حین بیع وجود ندارد - هنگام عقد حادثه واقع نشده و خسارت وارد نگردیده)، بیع کالی به کالی یا دین به دین (بیعی که پرداخت ثمن نسبه و مثن مؤجل است)<sup>۱۷</sup>.

موافقین قرارداد بیمه با قبول اینکه بیمه از عقود مستحدثه می‌باشد آن را با یکی از عقود معین یا سایر عقود نامعین فقهی مطابقت داده و برای توجیه مشروعیت بیمه از ادله استنباط احکام استفاده می‌نمایند و ابراز می‌دارند که شرع انسان را محصور به عقود مدون نموده و نص صریحی بر حرمت سایر عقود وارد نشده و قرارداد بیمه را مغایر با شرایط صحت معاملات ندانسته بلکه آن را از مصادیق تعاون نیز دانسته‌اند. در این باب موافقین قرارداد بیمه به دلایل زیر آن را تأیید می‌نمایند: عقد مضاربه (عقدی که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می‌دهد تا دیگری تجارت کند و هر دو در سود شریک باشند)، عقد ضمان (شخصی به دیگری بدهکار است و فرد سوم بدهکاری را به عهده می‌گیرد)، عقد هبه (بیمه‌گذار مبلغی از مال خود را به عنوان هبه معوضه به بیمه‌گر می‌دهد و در ضمن عقد شرط می‌کند که در صورت وقوع حادثه و ورود خسارت بیمه‌گر نسبت به جبران خسارت اقدام نماید)، عقد صلح (طرفین در مورد مبلغی که بیمه‌گذار می‌دهد و مبلغی که بیمه‌گر می‌پردازد با هم مصالحه می‌نمایند)، عقد جعالة (التزام شخصی به ادای اجرتی معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیرمعین)، عقد شراکت (تشکیل شرکت به نحو اشاعه، اعضای شرکت شرط می‌کنند که هنگام بروز خسارت از محل سود حاصله اقدام کنند)، عقد ودیعه (حق بیمه که بیمه‌گذار می‌پردازد نزد بیمه‌گر امانت است و بیمه‌گر در قبال دریافت اجرتی برای نگهداری مال بیمه‌گذار ضامن خسارت احتمالی خواهد بود)، عقد حراست (بیمه‌گذار حق بیمه‌ای به بیمه‌گر می‌پردازد تا امنیت بیمه‌گذار را در بروز حوادث و ورود خسارت عهده‌دار شود)، عقد قرض (حق بیمه عنوان قرض دارد و وجوه پرداختی از طرف بیمه‌گر نوعی ادای دین است)، قاعدة التزامات و

---

«العقود» و «بالمعهد» عهدی نبوده و شامل عقود که در آن زمان در کل جهان وجود داشته می‌شود و به عبارت دیگر استغراقی است و افاده عموم می‌نماید. برای شرح مفصل در این باب رجوع کنید به: عرفانی، توفیق (۱۳۷۱)، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، سازمان انتشارات کیهان، صفحات ۲۴۵-۲۵۸.

<sup>۱۶</sup> - نظام التأمین، بیروت، مؤسسه رساله، ۱۴۰۴ هـ ق، صفحات ۲۷-۲۱. محمد بن عابدین الدمشقی در کتاب رد المختار می‌نویسد: لا یحلُّ للتاجر اخذُ بدلِ الهالك من ماله لِانَّ هذا التزام ما لایلزم. همچنین نگاه کنید به محمد حسین ابراهیمی، بیمه و تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام.

<sup>۱۷</sup> - برای شرح مفصل در مورد این ویژگی‌ها رجوع کنید به: عرفانی، توفیق (۱۳۷۱)، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، سازمان انتشارات کیهان، صفحات ۱۲۶-۶۵.

وعدۀ الزام آور (هرگاه فردی به فردی وعده مساعدت دهد چنین وعده‌ای الزام آور است لذا وعدۀ بیمه‌گر به بیمه‌گذار هنگام ورود خسارت الزام آور است)، عهد (وجوب وفا به عهد)، عقود معاهده (علتی وجود ندارد که معاهده‌ای که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار منعقد است را واجب الوفا ندانیم)، استحسان (از استنباط حکم با قیاس و قاعده کلی و یا دلائل کلی صرف نظر نموده و ملاحظه حسن و مصلحت خاص را نمائیم)، مصالح مرسله و استصلاح (تأمین هدف شارع و عدول از نتایج قیاس به لحاظ رعایت مصالح مردم)، دلیل عقل و بنای عقلا (حکم عقل و محصول آن و رویه عملی خردمندان که بیمه را مفید می‌داند)، عرف (چیزی است که با کمک عقل در آدمی رسوخ یافته و برخی آن را در شناخت احکام و استنباط پذیرفته‌اند)، اصل صحت (هر معامله‌ای واقع شده باشد معمول بر صحت است مگر آن که فساد آن معلوم شود)، عسر و حرج (چون بیمه به صورت مشارکت تعاونی همه جا در دسترس عموم نیست پس عسر و حرج وجود دارد و عسر و حرج نفی تکلیف می‌کند)، اضطرار و ضرورت و نیاز عمومی (توجیه برای رفع مسئولیت و احساس ضرورت اجتماعی و نیاز عموم به بیمه)، تعاون (تشکیل بیمه‌های تعاونی مبتنی بر تبرع و همکاری و نیکوکاری)، زکات (زکات در اسلام یک بیمه واقعی است)، اصل اباحه (مادامی که دلیلی بر حرمت بیمه ارائه نگردیده اصل بر اباحه قرار دارد)، تأمین اجتماعی (رضایت افراد به استفاده از تأمین مطرح نیست)<sup>۱۸</sup>.

## بیمه‌های اجتماعی، تأمین و درمانی

با توجه به اهم وظایفی که برای حکومت اسلامی بر شمرده شد و همچنین مواردی که حکومت اسلامی موظف به رفع نیازهای افراد است به بحث بیمه‌های تأمین می‌پردازیم. قبل از ورود به این بحث باید اذعان داشت که سطح تأمین و برخورداری هر نیازی در حدود شرایط عرف قابل تعریف است. به عبارت دیگر پاسخ به نیاز هر فرد را عرف مشخص می‌کند و از طرفی «سؤال» که به آن اشاره شد به مفهوم «نیاز» هم تلقی می‌گردد، ممکن است سؤال سائل به دلیل حیا از قوه به فعل نرسد ولیکن ضرورت و نیاز در اشد خود باشد. پس با این دو شرط باید ابراز داشت که وظیفه بر حکومت اسلامی است که اولاً براساس عرف نیاز را اندازه‌گیری و حداقل لازم برای تأمین آن را تعریف و مشخص نماید. یعنی تمام موارد مندرج در تعریف کلی حداقل معیشت بایست براساس عرف جامعه و با توجه به احوال نیازمند تعیین گردد. و در آیه «وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>۱۹</sup> جواز تصرف حتی در مال یتیم را در حد عرف تعیین فرموده است. ثانیاً بر حکومت اسلامی فرض است که نیازمند را بیابد و حقی که نیازمند در اموال دارد را به او مسترد کند. به عبارت دیگر بنابر آیه شریفه «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»<sup>۲۰</sup> این دریافت از حقوق سائل و محروم است. آیه شریفه «جَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيًّ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ»<sup>۲۱</sup> سائل را به مفهوم نیازمند به کار می‌بندد.<sup>۲۲</sup> در

<sup>۱۸</sup> - برای شرح این ویژگی‌ها رجوع کنید به: عرفانی، توفیق (۱۳۷۱)، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، سازمان انتشارات کیهان، صص ۱۲۷-۲۰۴.

<sup>۱۹</sup> - سوره نساء، آیه ۶. و هر که فقیر است به اندازه‌ای که عرف تصدیق کند بخورد.

<sup>۲۰</sup> - آیه ۱۹ سوره الذاریات. و در اموال ایشان حقی برای سائل و محروم است. در آیات ۲۵-۲۴ سوره معارج نیز معلوم بودن این حق تصریح شده است «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ».

<sup>۲۱</sup> - آیه ۱۰ سوره فصلت. بر آن کوه‌ها پدید آورد و در آن برکت داد و قوت همه را تعیین نمود در چهار روز یکسان برای همه ساکنان.

<sup>۲۲</sup> - البته منظور سؤال به درب خانه‌ها و گدایی و امثال آن نیست که قبیح است.

آیه شریفه دیگری در مورد انفاق صدقات می‌فرماید که از آن فقرایی است که خود را در راه خدا محصور کرده‌اند و استطاعت گذران روی زمین را ندارند. از عفت، نادانان گمان می‌کنند که از اغنیا هستند. آنان را از سیمایشان می‌شناسی، از مردم به اصرار چیزی درخواست نمی‌کنند.<sup>۲۳</sup> در فرمان به مالک اشتر می‌فرمایند: «هم اکنون ترا در این زمان به تهیدستان و خانواده‌های پریشان خاطر وصیت می‌کنم: زنهار، زنهار! ای سردار نخعی این طایفه را که قومی عاجز و مسکین هستند و همواره در احتیاج و بینوایی به سر می‌برند از اندیشه به دور مدار. در میان درویشان مردمی یافت می‌شوند که با کمترین نوایی قناعت کنند و همت بلند آنها به نیروی حیا مانع است که دست نیاز بر در ثروتمندان دراز کنند و نیز گروهی که تکدی نمایند و به قیمت آبروی خویش نان به دست آورند و شکم‌های گرسنه را بدین وسیله راضی سازند»<sup>۲۴</sup>.

در جای دیگر همین فرمان خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وظیفه تو خدمت به رعیت و انتظام امور ملت است. نکند که ادای وظیفه در پیش تو صورتی دیگر گیرد که وادار شوی در مقابل انجام تکلیف خود بر ملت ناز بفروشی و منت بگذاری. تو هر که هستی برای مسلمانان افزون از خدمتگزاری نخواهی بود»<sup>۲۵</sup>.

با این شرح و تفصیل چه فرد همانند نظام‌های بیمه‌ای فعلی از قبل چیزی به عنوان حق بیمه پرداخته باشد و چه نپرداخته باشد بر حکومت اسلامی فرض است که نیازهای مشروع وی را که در ذکر شد، تأمین نماید. در ارتباط با وجوب تأمین این نیازها ذیلاً به مؤیداتی اشاره می‌شود.

۱- در مورد وظیفه تأمین نیازهای مالی افراد می‌توان به استناد آیه ۵۸ سوره توبه که می‌فرماید: بعضی از آنها در تقسیم صدقات بر تو عیب می‌گیرند<sup>۲۶</sup>، پرداخت صدقات و تأمین نیازهای مالی افراد را از وظایف حکومت اسلامی دانست. آیات متعددی که در مورد قرض الحسنه آمده است در اصل وجوب اباحه و استحباب وظیفه تأمین مالی نیازمندان به قرض دهندگان حسنه رجوع شده است<sup>۲۷</sup>. در فرمان به مالک اشتر امیرالمؤمنین ع می‌فرماید: «آری کلیه نیازمندی‌ها و

<sup>۲۳</sup> - آیه ۲۷۳ سوره بقره. «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا».

<sup>۲۴</sup> - فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر، روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱، صفحات ۴۶-۴۵.

<sup>۲۵</sup> - فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر، روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱، صفحه ۵۵.

<sup>۲۶</sup> - وَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْمُكَ فِي الصَّدَقَاتِ.

<sup>۲۷</sup> - در آیات ۲۴۴-۲۴۵ سوره بقره می‌فرماید: در راه خدا قتال کنید و بدانید که خدا شنوای داناست (به) کسی که به خدا قرض دهد قرض حسنه پس به چند برابر بر او اضافه خواهد شد و خداوند است که تنگنا یا فراخی دهنده است «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْسُطُ». در آیه ۱۲ سوره مائده نیز می‌فرماید: خداوند گفت اگر نماز بپا دارید و زکات دهید و به رسولان من ایمان آورید و یاری آنها نمایند و قرض‌های حسنه به خداوند قرض دهید محققاً من با شما خواهم بود «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا». در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره حدید می‌فرماید: شما را چه می‌شود که در راه خداوند انفاق نمی‌کنید (در حالی که) میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداوند است و کسی که از شما قبل از فتح انفاق و قتال کرد مساوی نیست، آنها از درجه برتری نسبت به کسانی که بعداً انفاق و قتال کردند برخوردارند و خداوند به هر دوی آنها نیکویی وعده کرده و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است. کیست به خداوند قرضی حسنه دهد پس بر او به چند برابر اضافه خواهد شد و برای او پاداشی بزرگ خواهد بود «وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَتَلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِهِ وَ قَاتِلُوا وَ كَلَّأَ وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَى وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ\*» مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ». در آیه ۱۸ همین سوره می‌فرماید: همانا مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنها که به خداوند قرض نیکویی قرض می‌دهند دو برابر برای آنها

حوائج مردم بر خراج مملکت تحمیل می‌شود. تو مبانی مالی را محکم کن تا رشته اقتصادی مصریان استوار باشد ... راستی وقتی که در کشوری نیازمندان و درویشان کمتر اوفتند و بازار زندگی رواج باشد، حاجتی به تشکیلات مالیه نیست. ما مالیات را برای مردم می‌خواهیم. ما خراج را می‌گیریم که به ارباب حاجت و بیچارگان برسانیم. آن موقع که همه ثروتمند و توانگر باشند، چه نیازی به دریافت خراج خواهد داشت»<sup>۲۸</sup>.

۲- در مورد وظیفه تأمین مسکن حضرت امیر در فرمان به مالک می‌فرمایند: «به تو و همه فرمانداران امر می‌کنم که قبل از اقدام در استفاده مالیات کشور به عمران و آبادی بپردازید. نخست زمین را اصلاح و آماده کنید، آنگاه به کشاورزی و درو بپردازید. نخست خانه بسازید سپس در آنجا نشمین گیرید. دوست می‌دارم که حوزه حکومت شما معمور و آباد باشد، کلبه‌های فقرا و کوخ‌های دهگانان از فروغ توانگری و نشاط روشن باشد»<sup>۲۹</sup>.

۳- در باب تأمین نیاز به ازدواج می‌توان به شرح حکایت<sup>۳۰</sup> جوان مستمنی که خدمت حضرت امیر آوردند، اشاره نمود که حضرت از او بازخواست کردند، عرض کرد کسی به من زن نمی‌دهد و شغلی هم ندارم. حضرت رو به حاضرین فرمودند: چه شخص حاضر است به این جوان زن دهد. فردی اعلام آمادگی نمود و باز فرمودند: چه کس حاضر است به او شغل دهد و دیگری ابراز تمایل کرد. حضرت پس از مختصر تأدیبی برای انجام مراسم ازدواج و اشتغال روانه‌اش فرمودند.

در باب نیاز به معاشر حضرت امیر می‌فرمایند: «ناتوان‌ترین مردم کسی است که نیروی به دست آوردن دوستان ندارد و ناتوان‌تر از او کسی بود که دوستی به دست آرد و او را ضایع گذارد»<sup>۳۱</sup>. و ناتوانی افراد در این باب خود مبین لزوم تأمین معاشر برای کسی است که نیاز به معاشر دارد ولی توانایی تأمین آن را ندارد. در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: «همیشه با توده باش، با شادی آنها شاد شو و در اندوهشان شرکت کن»<sup>۳۲</sup>.

۴- حکایت فوق مؤید وظیفه حکومت اسلام بر تأمین شغل آحاد افراد جامعه نیز می‌تواند تلقی گردد.

۵- در ارتباط با تأمین نیاز به تربیت و تعلیم و آموزش و مشاوره و راهنمایی می‌توان به فرمان حضرتش به مالک اشتر رجوع کرد که فرمود: «فرماندار همچون رئیس خانواده‌ای است که عیوب اعضای خانواده را باید برای خود نقیصه و عیب بداند»<sup>۳۳</sup> و بزرگترین عیب گمراهی است که فرمود: «آن که هدایت شد پس او را هدایت کردند و آن که گمراه شد

---

خواهد شد و برای آنها پاداش بزرگی است «إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَ الْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ». در آیه ۲۰ سوره مزمل می‌فرماید: و نماز بپا دارید و زکات دهید و قرض دهید به خدا قرضی حسنه و آنچه خوبی نزد خدا کنید پیشتر نسبت به خودتان می‌کنید و آن خوبی و پاداش برتری است «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا».

<sup>۲۸</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحات ۳۹-۳۸.

<sup>۲۹</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۳۸.

<sup>۳۰</sup> - الکافی، ۷، ۲۶۵، باب النواذر ... ص: ۲۶۰، مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَتَى بِرَجُلٍ عَيْثَ بَدَّكَرِهِ فَضَرَبَ يَدَهُ حَتَّى احْمَرَّتْ ثُمَّ رَزَّجَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ..

<sup>۳۱</sup> - نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، کلمات قصار، شماره ۱۲، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸. اعجز الناس من عجز عن الكتاب الاخوان و اعجز منه من ضيع من ظفر به منهم.

<sup>۳۲</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۷.

<sup>۳۳</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۷.



او ولیّ مرشد را نیافت»<sup>۳۴</sup> پس معرفی راهنما و ولیّ و مرشد به خلق بر حکومت اسلامی فرض است.

۶- در ارتباط با تأمین نیاز به بهداشت و درمان می‌توان تمام مؤیدات ذکر شده در این بخش را به نحوی تأویل بر وجوب این تأمین از طرف حکومت اسلامی دانست. به هرحال همانطور که هُوَ الشّافی است. خلیفه خدا نیز بر نمط اوست. از طرفی قاعده التزامات و وعده الزام آور نیز این امر را تأیید می‌نماید.<sup>۳۵</sup>

۷- تأمین نیاز به پرستاری و مراقبت از کلیه افراد مستمند براساس فرمان به مالک اشتر بر عهده حاکم اسلام است. می‌فرماید: «اما دل شکستگان تهیدست و مستمندان تیره‌بخت - همان‌هایی که پسر ابوطالب پیوسته به یاد ایشان است و همواره تیمار آنان می‌برد و غم آنان می‌خورد - آنها مرغان بی‌بال و پری هستند که در عین ناتوانی شراره آه را می‌توانند تا دامن سرادق الوهیت شعله‌ور سازند. آنها شب زنده‌داران پارسا و سحرخیزان پرهیزگار هستند که در محضر مردم ضعیفند، ولی در پیشگاه ایزد توانا مقامی محترم و بزرگ دارند. آنها را خداوند، به دست تو، ای فرماندار سپرده و در حمایت تو، ای صاحب تاج و تخت قرار داده است. مبدا که از پرستش آن دل‌های دردمند غفلت کنی. مبدا که از تعمیر عرش خدا بی‌نصیب و محروم مانی»<sup>۳۶</sup>.

۸- در تأمین نیاز به امداد در زمان اضطرار و مواجهه با خطر، حضرتش در فرمان به مالک می‌فرماید: «اگر در نتیجه حادثه‌ای از حوادث روزگار، زندگی بر کشاورزان مصر تباہ شود، مثلاً باران از آسمان نبارد یا شط نیل از طغیان سودمندش فرو نشیند، کشتزاران خشک و بی‌آب مانده، برزگران تهیدست و ناچیز شوند، وظیفه فرمانداران است که به امرای خراج و کارمندان امور مالی درباره مصریان سفارش کنند و تا حدودی که نخست به مصلحت ملت و در درجه دوم به صلاح دولت می‌گردد از مالیات توده کسر و به دامداران تخفیف بخشند. تو همی پنداری که این تخفیف خزانه مصر را تهی خواهد ساخت و بر دولت ما زیان خواهد رساند ولی ما به مصالح عالیه کشور اسلام از همگان دقیق‌تر و آشناتریم. باید تکرار کنم که: دولت ما با تمام وسایلی که در دست دارد، مصمم است به آبادی مملکت و آسایش رعیت پردازد و بیان آشکارترش آن است که امیرالمؤمنین با تمام قوای خود وامدار و گروگان رفاه و آسایش ملت اسلام است»<sup>۳۷</sup>. شیخ عبدالطیف جناحی کلمه غارمین در آیه ۵۹ سوره توبه درباره زکات را متضمن بیمه سوانح تفسیر می‌کند.<sup>۳۸</sup>

۹- وظیفه تأمین نیاز طعام و خوراک به استناد آیه ۱۸۴ سوره بقره: بر کسانی که طاقت آن را ندارند با طعام دادن به مسکین فدیہ کنند.<sup>۳۹</sup> به عبارت دیگر مالیاتی را که مستقیماً باید به بیت‌المال پردازند می‌توانند در اطعام مسکین صرف نمایند. برخی کفارات را نیز اطعام مسکین تعیین فرموده‌اند مثل: «أَوْكَفَّارَةٌ طَعَامٌ مَسَاكِينٍ»<sup>۴۰</sup>.

۱۰- در باب وظیفه حکومت اسلام در قبال تأمین حق اعتراض و فریاد مظلوم و دفاع در مقابل متجاوز باید گفت

<sup>۳۴</sup> - سوره کهف آیه ۱۷. «وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يَضِلَّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا».

<sup>۳۵</sup> - این قاعده در فقه مالکی زیاد مورد استناد قرار می‌گیرد که اگر کسی وعده‌ای داد بایست بر انجام آن قیام کند. به هر حال عقل این قاعده را می‌پذیرد.

<sup>۳۶</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۳۶.

<sup>۳۷</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحات ۳۹-۴۰.

<sup>۳۸</sup> - جناحی، شیخ عبدالطیف، (۱۴۰۷ هـ ق.)، سخنرانی در کنفرانس اسلامی مکه، مجله کنفرانس فقه اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، قسمت ۲.

<sup>۳۹</sup> - «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٌ مَسْكِينٍ».

<sup>۴۰</sup> - سوره مانده، آیه ۹۵، یا کفاره آن اطعام مسکین است.

که این وظیفه در قالب تأمین حق ناشی از آیه شریفه «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ أَذِنَ اللَّهُ لِيَأْخُذَ بِالْحَيَاةِ وَالْأَمْوَالِ»<sup>۴۱</sup> می‌باشد. این اجازه و رخصت تأمین نیازی است که اگر حکومت اسلام از پی بر آوردن آن بر نیاید هر فردی باید به تأمین آن بپردازد.

۱۱- در باب وظیفه تأمین نیاز به استعانت در احقاق حق در فرمان مالک اشتر می‌فرماید: «ای پسر حارث خدای خود را غافل مپندار که همیشه در کمین رستگاران است، فریاد بندگان را به دقت گوش کند و کوچکترین مظلومه را از بزرگترین کسان صرف نظر نفرماید. میدانی که محبوب‌ترین صفت‌ها برای زمامدار در همه حال چیست؟ آن که همواره در راه زندگی، میانه‌رو و متوسط باشد و عدلش مانند ابر رحمت سراسر کشور را در سایه گیرد و با جدیت تمام بکوشد که زیردستانش را راضی و خشنود سازد»<sup>۴۲</sup>. بلکه وظیفه حکومت اسلامی تأمین نیاز به استعانت در احقاق حق به موجب آیه شریفه زیر است که فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید رسول و اولی الامر از میان خودتان را، پس اگر در چیزی نزاع داشتید به خدا و پیغمبر بازگردید<sup>۴۳</sup>. در فرمان به مالک حضرت امیر ع تأکید می‌فرماید که: «ای مالک هرگز از جریان امور کشور و طرز سلوک حکام با رعیت، لحظه‌ای غافل مباش. به جزئیات امور شخصاً رسیدگی کن و گزارش‌های کشور را تا آخرین کلمه با کمال دقت بشنو. مقتضی است به منظور انجام این مسئولیت بزرگ بر عمال خویش، گروهی بازرسان مخفی بگماری تا پنهانی ترا از چگونگی مملکت مستحضر دارند. بازرسان باید رفتار حاکم را در حوزه مأموریت او با منتهای احتیاط مراقبت کنند و کوچکترین خلاف را بی‌درنگ به مرکز حکومت گزارش دهند. این عمل چنان فرمانداران ترا در ایفای تکلیف محتاط و دقیق خواهد کرد که از بیم بازرسان پنهان در غیاب و در حضور بر هیچ حرکت مخالف اقدام ننمایند، به رعیت ظلم نکنند و در رسیدگی به مظالم و شکایات قوم خونسردی و تعلق روا ندارند»<sup>۴۴</sup>. «حکومت‌ها معتقدند اگر در انجام وظیفه کبر یا نخوت فروشند، معذور باشند، چون به قول خودشان تکلیفی بس مهم را انجام می‌دهند. به حکام خویشان خواه و مغرور از جانب من بگوئید که: وظیفه چه کوچک و چه بزرگ محترم است. شما با تمام جدیتی که در انتظام امور کشور قیام می‌کنید، اگر در خلال عمل، کوچکترین دلی را بیازارید وظیفه خود را ناقص انجام داده‌اید و در پیشگاه عدل خدا و دربار امیرالمؤمنین مسئول و سزاوار کیفر خواهید بود. شخصاً به داد دادخواهان پشمینه‌پوش بر پا شو چون که آن کهن جامگان را به بارگاه حکومت بار ندهند و مظالم آنان را به عرض ملوک و زمامداران دیر رسانند. در بین کارمندان مصر گروهی را که بر امانت و دیانتشان خاطری استوار داری برگزین و آن گروه را به ویژه جهت رسیدگی به عرایض مستمندان برگمار و با این وصف خود در کوی و برزن به جستجوی ارباب حاجت برخیز و مخصوصاً پریشانان را که در هر محیط از همه مظلوم‌تر و از همه خاموش‌ترند هنگام تشکیل دادگاه بر دیگران مقدم دارند»<sup>۴۵</sup>.

۱۲- وظیفه حکومت اسلامی در تأمین ولی برای صغیر از آیه شریفه: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ»<sup>۴۶</sup> به وضوح پیدا است همچنین روایت منقول از رسول اکرم ص: من از هر مسلمانی اولی به نفس اویم. کسی که مالی به ارث نهاد برای ورثه‌اش

<sup>۴۱</sup> - سوره حج، آیه ۳۹. به کسانی که به جنگ بر سرشان تاخت آورده‌اند و مورد ستم قرار گرفته‌اند رخصت داده شد.

<sup>۴۲</sup> - فرمان مالک اشتر، صفحه ۱۶.

<sup>۴۳</sup> - سوره نساء، آیه ۵۹ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ».

<sup>۴۴</sup> - فرمان مالک اشتر، صفحه ۳۷.

<sup>۴۵</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحات ۴۶-۴۷.

<sup>۴۶</sup> - سوره الضحی، آیه ۹. خطاب به رسول اکرم می‌فرماید: پس یتیم را مران.

خواهد بود و اگر دین یا فرزند صغیری باقی گذاشت من عهده‌دار آن هستم.<sup>۴۷</sup>

در فرمان به مالک، حضرتش می‌فرماید: «الا ای مالک یتیمان را می‌شناسی، کودکان خردسالی که در حساس‌ترین سنین عمر پرستار را از دست می‌دهند و همچون نونهال‌هایی که در آغاز رستن بی باغبان ماند پژمرده می‌شوند، در هر کشور که باشند، پدری جز حکومت وقت ندارند. پس ای حکومت مصر کودکان دربدر را یکجا گردآور و در تربیت آنها دقیقه‌ای فرو مگذار».<sup>۴۸</sup>

۱۳- در باب وظیفه تأمین مستمری بازنشستگی و از کارافتادگی می‌توان به وظیفه وفاداری و رحمانیت و شفقت دینی استناد نمود، همچنین خبری از حضرت امیرالمؤمنین ع مؤید این است: پیرمردی سائل به کف عبور می‌کرد. حضرت فرمود او کیست؟ گفتند ای امیر مؤمنان نصرانی است. پس امیرالمؤمنین فرمودند تا زمانی که جوان بود از او کار کشیدید و چون عاجز گردید او را مانع شدید. از بیت‌المال به او پرداخت کنید.<sup>۴۹</sup>

در فرمان مالک می‌فرماید: «مالکا از پیران کهنسال که به گذشت روزگار موی مشکین را همچون کافور سرد سفید کرده‌اند، احترام و تجلیل کن. آدمی زاده که عمری طولانی به سر برد بار دیگر به آغاز زندگی باز می‌گردد، یعنی برای نوبت دوم کودک و کوچک می‌شود. پیران دلی نازک و زودرنج دارند اندامشان نحیف و آوایشان کوتاه و بی‌اثر است. چگونه کودکان را می‌نوازی بر همان منوال پیران را بنواز وصیت‌های من بر مقام محترم حکومت بس گران می‌آید ولی چه باید کرد، انجام اوامر پروردگار و ایفای تکالیف انسانیت مشکل است».<sup>۵۰</sup> نظیر این واقعه برای فردی یهودی نیز در زمان خلفای راشدین واقع شده است.<sup>۵۱</sup>

۱۴- در باب تأمین نیاز به سرپرستی افراد لازم الحمايه حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید: «مبادا یکی از شما خویشاوند خویش را محتاج و نیازمند بیند و از پای نشیند».<sup>۵۲</sup> مسلم این وظیفه عیناً به حکومت اسلامی نیز برمی‌گردد. در فرمان مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک! مهربان باش و رعیت را با چشمی پرعاطفه و سینه‌ای لبریز از محبت بنگر»<sup>۵۳</sup> و همچنین خطاب به مالک می‌فرماید: «دستی به سوی دل شکستگان دراز کن و آن غمگده‌های ویران را عمران نما و مرمت کن»<sup>۵۴</sup> ... «خداوند متعال تو و همه توانگران و ارباب نعم دنیا را به سرپرستی بینوایان سفارش فرمود که از حال تهیدستان بیخبر نمانند، پس بر سفارش خدا قیام کنید و میان به اجرای اوامر پروردگار بندید».<sup>۵۵</sup>

<sup>۴۷</sup> - قرضاوی، یوسف (۱۴۰۹ هـ ق.). الحلال و الحرام فی الاسلام، ص ۴۲۷، با تعلیق حسن محمدتقی جواهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، جلد ۱، صفحه ۴۲۵.

<sup>۴۸</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۴۷.

<sup>۴۹</sup> - وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۵. شیخ مکتوف کبیر یسأل. فقال امیرالمؤمنین ما هذا؟ قالوا یا امیرالمؤمنین نصرانی. فقال امیرالمؤمنین استعملتموه حتی اذا کبر و عجز منعمتوه، انفقوا علیه من بیت‌المال.

<sup>۵۰</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۴۷.

<sup>۵۱</sup> - قربانی، زین‌العابدین (حق ضمان و بیمه‌های اجتماعی، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اندیشه اسلامی، تهران، صفحه ۲۷۷).

<sup>۵۲</sup> - خطبه ۲۴، نهج‌البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، چاپ پانزدهم، تهران، ۱۳۷۸، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صفحه ۲۴. *ألا لا یعدلن أخذکم عن القرآنه یري بما الخصاصه أن یسدّها...*

<sup>۵۳</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۳.

<sup>۵۴</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۷.

<sup>۵۵</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۴۶.

۱۵- در باب تأمین نیاز به کارگشایی حضرتش به مالک فرمود: «گره از کار رعیت بگشا»<sup>۵۶</sup>.

۱۶- در باب وظیفه مهیا نمودن شرایط مناسب برای ادای رسوم و سنن پسندیده حضرت امیر فرمود: «ای مالک از آن قوانین و آدابی که گذشتگان اسلام از خود باز گذاشته‌اند سرباز مزین و رعیت را هرگز در پیروی و تقلید از عادات پسندیده بازمدار»<sup>۵۷</sup>.

۱۷- در باب تأمین نیاز به پوشش و البسه فقط به این حدیث اشاره می‌شود که «أَمَا الْكِسْوَةُ فَعَلَيْ كُلِّ إِنْسَانٍ»<sup>۵۸</sup>. در این باب در موضوع تأکید بر پوشیدن برهنگان اخبار زیادی موجود است و در باب کفارات زیاد از آن نام برده می‌شود. به طور خلاصه بیمه‌هایی که جزو وظایف حکومت اسلامی است، شامل کلیه مواردی است که ذکر شد. حال بطور خلاصه به تعریف هر یک از این بیمه‌ها می‌پردازیم. در تمام این بیمه‌ها بیمه‌گر حکومت اسلام است - گرچه بخش خصوصی نیز می‌تواند در قالب‌هایی بنگاه‌های بیمه‌ای در همه این موارد به صورت بیمه‌های تکمیلی تأسیس نماید - و بیمه‌گزار کلیه افراد جامعه، و حق بیمه هم از محل مالیات‌های اسلامی تأمین می‌گردد. حدود و وسعت بیمه‌های زیر را عرف جامعه و معیارهای آن و منابع مالی حکومت اسلامی مشخص می‌نماید.

- ۱- بیمه مالی: تأمین منابع مالی برای نیازمندان - شامل ورشکستگان نیز می‌شود.
- ۲- بیمه مسکن: هیچ فردی نباید بی سرپناه باشد و بیمه مسکن موظف به تأمین حداقل سرپناه برای عموم افراد جامعه است. استعانت در تعمیر مسکن در این بیمه می‌گنجد.
- ۳- بیمه ازدواج: ایجاد شرایط مناسب برای ازدواج و ارائه تمهیدات و رفع موانع ازدواج افراد جامعه.
- ۴- بیمه شغل: هر کس حق دارد شغل داشته باشد و بیمه شغل موظف به کارگماردن افراد است. برخلاف بیمه بیکاری که پرداخت مالی می‌نماید، بیمه شغل فرد را شاغل می‌نماید.
- ۵- بیمه آموزش: هر کس که بخواهد تا هر درجه از آموزش، تعلیم و تربیت پیشرفت کند، بایست مربی و امکانات مناسب در اختیار وی قرار گیرد.
- ۶- بیمه درمان: کلیه آحاد جامعه هنگام بیماری بیمه درمان هستند و تأمین شرایط بهداشتی برای آنان از وظایف این بیمه است.
- ۷- بیمه پرستاری: کلیه افراد ناتوان در این بیمه مشمول دریافت مراقبت و پرستاری هستند.
- ۸- بیمه سوانح: هر فردی در قبال بروز هر حادثه‌ای اعم از طبیعی و یا غیرطبیعی محق دریافت حمایت‌های خاص بیمه سوانح است.
- ۹- بیمه خوراک: بیمه خوراک چتر غذایی افراد جامعه است بطوری که هیچ فردی گرسنه نماند. براساس این بیمه باید حداقل خوراک برای افراد به سهولت قابل حصول باشد.
- ۱۰- بیمه دفاع: هر فرد حق اعتراض و تظلم و دفاع دارد و از این باب بیمه است. دادستانی در

<sup>۵۶</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۸.

<sup>۵۷</sup> - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۲۳.

<sup>۵۸</sup> - اما پوشاک برای هر انسان واجب است. اصول کافی، جلد ۵، باب ماجل لقیم مال الیتیم، حدیث ۵، صفحه ۱۳۰.

- تعریف حقوق آن و ضابطین قضائی در نظام‌های امروزی در این حکم هستند.
- ۱۱- بیمه و کالت: استعانت به هر فرد در احقاق حقش از وظایف این بیمه است.
- ۱۲- بیمه ایتام: تأمین شرایط زیستی ایتام و صغار بدون سرپرست و حمایت از حقوق آنها وظیفه این بیمه می‌باشد.
- ۱۳- بیمه بازنشستگی و ازکارافتادگی: افرادی که به دلیل کهولت سن یا نقص عضو یا بیماری دائماً یا موقتاً توانایی کار و ادامه اشتغال ندارند، بیمه هستند.
- ۱۴- بیمه سرپرستی: سرپرستی کلیه افراد بی سرپرست، سالخوردگان، بیوگان، مهجورین، سفهاء و امثال آن در تحت پوشش این بیمه است.
- ۱۵- بیمه کارگشایی: گشودن گره از کار ناتوانان در کلیه امور اجتماعی به عهده این بیمه می‌باشد.
- ۱۶- بیمه فرهنگی: استعانت و یاری به افراد ناتوان در حفظ آداب و سنن پسندیده خود به عهده این بیمه می‌باشد.
- ۱۷- بیمه پوشاک: برهنگی بر هیچ فرد روا نیست و تأمین حداقل پوشاک هر فرد بر عهده این بیمه است.

## منابع

- فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر، روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱.
- نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- جناب آقای دکتر حاج نورعلی تابنده، جزوه درسی حقوق تطبیقی (۲)، مدرسه عالی قضائی و اداری قم، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶. <http://www.sufism.ir>
- ابراهیمی، محمد حسن (۱۳۷۵) بیمه و تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام، سازمان تأمین اجتماعی، انتشارات کویر.
- جناحی، عبدالطیف، (۱۴۰۷ هـ. ق.)، سخنرانی در کنفرانس اسلامی مکه، مجله کنفرانس فقه اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، قسمت ۲.
- حر عاملی، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۳ قمری.
- صالحی، جان علی محمود (۱۳۸۱)، حقوق بیمه، بیمه مرکزی ایران. مدیریت آموزشی و انتشارات.
- صدر، محمد باقر ( ) اقتصاد برتر، ترجمه علی اکبر سیبویه، پخش کتاب‌های مذهبی، نشر میثم، تهران.
- عرفانی، توفیق (۱۳۷۱)، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، سازمان انتشارات کیهان.
- کلینی ( )، اصول کافی.
- قربانی، زین العابدین ( ) حق ضمان و بیمه‌های اجتماعی، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اندیشه اسلامی، تهران.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۰۹ هـ. ق.)، الحلال و الحرام فی الاسلام، تعلیق حسن محمدتقی الجواهری، سازمان تبلیغات اسلامی.